

حافظه شرح حال و سالمندی

Autobiographical memory and aging

Sepideh Dehghani

PhD Student of Health Psychology, University of Tehran

Dr. Javad Hatami *

Associate Professor, University of Tehran,

Department of Psychology

hatamijm@ut.ac.ir

Saeed Aslani

Student of General Psychology, Allameh

Tabataba'i University

سپیده دهقانی

دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت، دانشگاه تهران

(نویسنده مسئول)

جواد حاتمی

دانشیار دانشگاه تهران، گروه روانشناسی

سعید اصلانی

دانشجوی روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

حافظه شرح حال یا حافظه تجارب شخصی به افراد اجازه می دهد که خود را تعریف کنند و یک داستان زندگی معنادار بسازند. هدف از پژوهش حاضر مروری بر تعاریف و نظریات مربوط به حافظه شرح حال و تغییرات آن در دوران سالمندی بهنجار و نابهنجار است. بر اساس مطالعات انجام شده، با افزایش سن، کاهش در حافظه رویدادی شرح حال نسبت به افراد جوانتر دیده می شود. همچنین حافظه معنایی رویدادی شرح حال با سرعت کم تری کاهش می یابد و حتی ممکن است تا سنین بالا بدون تغییر باقی بماند. تغییرات حافظه شرح حال در سالمندی بهنجار که همراه با بروز بیماری های عصب شناختی است، بر اساس نوع بیماری و عوامل مغزی دخیل در آن متفاوت است. چگونگی این تغییرات، عوامل عصب شناختی دخیل در آنها و تبیین های موجود به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: حافظه شرح حال، سالمندی، حافظه رویدادی، حافظه معنایی

Abstract

Autobiographical memory, or memory for personal experiences, allows individuals to define themselves and construct a meaningful life story. The aim of current research is to review the definition and theories of autobiographies memory and how it changes normally or abnormally in elderly people. Base on studies, as we grow older autobiographical memory drops off, also semantic memory changes a little or sometimes doesn't change at all. How autobiographical memory changes in normal elders with neurological disease depends on the kind of disease and brain s factor which effect it how this changes happen, the effective neurological factors and current explanation are expansively discuss.

Key words: autobiographical memory, aging, episodic memory, semantic

بهمین ۹۶

پذیرش:

دریافت: مرداد ۹۵

نوع مقاله: تحلیلی

حافظه شرح حال

حافظه شرح حال^۱ یکی از مولفه های حافظه دور^۲ است. آنچه حافظه شرح حال را از دیگر انواع حافظه دور متمایز می کند، رابطه آن با خود^۳ است. حافظه شرح حال اشاره به حافظه واقعبیت ها و تجارب شخصی در مورد خود دارد و پایه و اساس خودشناسی، خودآگاهی و تصویر خود^۴ را فراهم می کند. این توانایی به افراد اجازه می دهد که خود را تعریف کنند، یک داستان زندگی بسازند و به آن معنا بدهند (الهاج، آنتوین، ناندترینو و کاپوجیانیس^۵، ۲۰۱۵). حافظه شرح حال شامل دانش در سطوح مختلف است که دانش کلی در مورد گذشته فرد تا دانش خاص موقعیتی را در بر می گیرد. به طور خاص تر، حافظه شرح حال، دو بعد اصلی دارد: بعد معنایی^۶ و بعد رویدادی^۷. بعد معنایی اشاره به بازنمایی های کلی به جای اشاره به یک رویداد خاص مرتبط با زمان و مکان خاص دارد. یادآوری اطلاعات معنایی خاص، وابسته به یادآوری تجارب خاص نیست بلکه با احساس دانستن و آشنا بودن ارتباط دارد (کانوی^۸، ۲۰۰۹). حافظه شرح حال معنایی شامل دانش و واقعیات گذشته فرد است. مانند دانش در مورد هویت فرد، ویژگی های شخصی، اطلاعات تاریخی و واقعیاتی که حمایت کننده

1. autobiographical memory

2. Remote memory

3. self

4. self-image

5. El Haj, M., Antoinette, P., Nandrino, J. L., Kapogiannis, D

6. semantic memory

7. episodic memory

8. Conway, M.A.

آگاهی از رویدادهای گذشته فرد است. بر خلاف حافظه رویدادی شرح حال، حافظه شرح حال معنایی مستقل از زمان است و می تواند بدون سفر ذهنی در زمان انجام شود (لوین^۱، ۲۰۰۴).

حافظه شرح حال رویدادی به صورت یادآوری هشیارانه رویدادهای خاص زمانی و مکانی گذشته فرد تعریف شده است. این حالت هشیاری از سفر ذهنی در طول زمان از طریق یادآوری رویدادهای جزئیات حسی - حرکتی، افکار و احساسات به دست می آید (تالوینگ^۲، ۲۰۰۲). یادآوری حافظه رویدادی شخصی به تجربه مجدد، یادآوری رویدادهای خاص گذشته و یکپارچه سازی اطلاعات به دست آمده از زیر سیستم های مختلف (مانند اطلاعات حسی، زبان، هیجان و ...) ارتباط دارد. دانش معنایی حافظه شرح حال، راه انداز یک حالت هشیاری معرفتی ذهنی است که طی آن آگاهی از گذشته محدود به احساس دانستن یا آشنا بودن است، در حالی که اتفاقات رویدادی راه انداز یک حالت هشیاری است که به وسیله آن تجارب فردی گذشته مانند سفر ذهنی در زمان است (الهاج و همکاران، ۲۰۱۵).

مدل کانوی و همکاران برای حافظه شرح حال

کانوی و پلیدل - پیرسی^۳ در سال ۲۰۰۰ حافظه شرح حال را به عنوان ساختار روانی پویایی که از دانش پایه تولید می شود، توصیف کردند. در مدل آن ها سه سطح بازنمایی در دانش پایه شرح حال وجود دارد. اولین و بالاترین سطح شامل بازنمایی مدتی طولانی از زمان می شود که به صورت نسبی دارای شروع و نقطه پایان مشخصی است و تحت عنوان "دوره های عمر"^۴ شناخته می شود (برای مثال وقتی که من در تبریز زندگی می کردم، وقتی دانشجو بودم). در سطح میانی یا سطح دوم، "حوادث کلی"^۵ است که بازنمایی از حوادث تکراری (برای مثال رانندگی تا محل کار در صبح ها)، یا "حوادث خاص" (به طور مثال تعطیلات من در مصر) هستند، این سطح همانند سطح اول به شکل نسبتاً انتزاعی و خلاصه ای مفهومی از تجربه بازنمایی می شود. بازنمایی ها همچنین با سومین و پایین ترین سطح کدگذاری اطلاعات که تحت عنوان "دانش اختصاصی مربوط به حوادث"^۶ است، همراه می شوند که به صورت مخفف آن را ESK می نامند. تفاوت ESK با "اتفاقات عمومی" و "بازنمایی های دوره عمر" به این نحو است که بازنمایی از دانش اختصاصی مربوط به حوادث، دارای جنبه های حسی و عینی بیشتری است تا انتزاعی باشد و معمولاً با تصویرسازی بصری همراه است تا صرفاً خلاصه تجربه ذهنی، مفهومی، زبانی از گذشته باشد. سیستم سلسله مراتبی به صورت تودرتو بازنمایی می شوند، بدین معنی که بازنمایی های حوادث عمومی (که فرض می شود به عنوان پایه دانش شرح حال هستند) می توانند با "دوره های عمر" خاصی همراه می شوند که در آن ها اتفاق می افتند: برای مثال "اتفاق عمومی" بردن بچه ها به زمین بازی" ممکن است همراه با "دوره عمر" "وقتی بچه ها کوچک بودن" همراه باشد (کانوی، ۲۰۰۹).

کانوی و پلیدل - پیرسی (۲۰۰۰) پیشنهاد کردند که لازم است به حافظه شرح حال به عنوان اصطلاحی در ارتباط با احساس هر فرد از "خود" و اهمیت مرکزی آن در هدایت "فعالیت معطوف به هدف" نگریست. از این دیدگاه حافظه شرح حال را می توان به عنوان بخشی از سیستم بزرگ "سیستم حافظه - خود"^۷ در نظر گرفت که دارای دو عملکرد اصلی است: آفرینش سابقه نسبتاً دقیق تجربه مداوم از "خود" برای استفاده جهت هدایت در دنبال کردن اهداف و اطمینان از پیوستگی "خود" (برای توسعه تمامیت فرد و بازنمایی معنی دار از "خود" فرد و از داستان زندگی فرد که سازگار با اهداف و ارزش های او باشد). هسته مرکزی سیستم حافظه - خود کانوی و پلیدل - پیرسی (۲۰۰۰) خودکاری است. خودکاری^۸ تعدادی روندهای هماهنگ کنترلی را انجام می دهد که توسط آن ها فعالیت های معطوف به هدف را کلید می زند و دیدبانی (مانیتور) می کند. اساس دانش شرح حال و مفهوم "خود" باهم یک "خود" بلندمدتی را تشکیل می دهند. "خود" ادراکی، شامل دانش "خود" انتزاعی (همانند گرایش ها، باورها) و خود هدایتی ها است که از "حوادث عمومی"، "دوره های زندگی" و بازنمایی های طرحواره - خود از پایه دانش شرح حال به وجود می آید. سیستم حافظه رویدادی در سلسله مراتب پایین تر شامل ESK حسی - ادراکی است که اگر مرتبط با روند اهداف جاری باشد، با بازنمایی های ذخیره شده در پایه دانش شرح حال مرتبط می شود و برای بازنمایی های بعدی آماده یا فراهم است (هنگامی فعال است که با "حوادث عمومی"، "دوره های عمومی" و "بازنمایی های حوادث داستان زندگی اتصال پیدا کند).

1. Levin, B.
2. Tulving, E.
3. Pleydell-Pearce
4. Lifetime Periods
5. General Events
6. Event-Specific Knowledge
7. self-memory system
8. Working self

عوامل عصب- ساختاری مرتبط با حافظه شرح حال

به طور کلی، شبکه های غالب در حافظه شرح حال، مناطق مغزی میانی و جانبی سمت چپ مغز است. در اکثر تصویر برداری های مغزی مربوط به یادآوری حافظه رویدادی شرح حال و فرآیندهای خود ارجاعی، فعال سازی قشر پیش پیشانی دیده شده است. در حالی که فرآیندهای حافظه معنایی شرح حال بیشتر با قشر گیجگاهی جانبی مرتبط است. به طور خاص، دانش مربوط به حافظه شرح حال در شبکه های عصبی در لوب های پیشانی، گیجگاهی و پس سری توزیع شده است. دانش مفهومی یا انتزاعی در شبکه های پیشانی و گیجگاهی قدامی (احتمالا دو طرفه) بازنمایی شده است. جزییات حسی یا ادراکی رویدادهای خاص در شبکه های پس سری و گیجگاهی عقبی به طور غالب در کورتکس سمت راست بازنمایی می شود (کانوی و پلیدل - پیرسی، ۲۰۰۱).

شبکه عصبی اصلی شامل کورتکس پیش پیشانی شکمی-جانبی و میانی سمت چپ، کورتکس گیجگاهی میانی و جانبی، محل اتصال گیجگاهی-آهیانه، قشر سینگولیت عقبی و مخچه است که این مناطق به طور ثابت در حداقل نیمی از مطالعات تصویر برداری عصبی حافظه شرح حال فعال شده اند (اسوبودا، مک کینن و لوین^۱، ۲۰۰۶). شبکه عصبی ثانویه شامل کورتکس پیش پیشانی خلفی جانبی، قشر میانی بالایی، قشر جانبی بالایی، سینگولیت قدامی، اریتوفرونتال میانی، قشر گیجگاهی و پس سری، تالاموس و آمیگدال است که در یک چهارم تا یک سوم مطالعات تصویر برداری عصبی مربوط به حافظه شرح حال فعال شده اند. مناطق مغزی که در پژوهش ها به ندرت گزارش شده اند در کمتر از یک چهارم مطالعات مربوط به تصویر برداری عصبی حافظه شرح حال فعال شده اند شامل مناطق بینایی پیشانی، قشر حرکتی، کورتکس آهیانه ای خلفی و میانی، کورتکس گیجگاهی خلفی فوقانی و تحتانی، اینسولا و هسته های قاعده ای و ساقه مغز است (اسوبودا و همکاران، ۲۰۰۶). الگوی فعالیت گسترده مغز در حافظه شرح حال بیانگر آن است که فعالیت های مختلفی همچون فرآیندهای ادراکی و هیجانی، توجه و حافظه در حافظه شرح حال نقش دارند.

حافظه شرح حال و سالمندی بهنجار

پژوهش های مختلف به بررسی اثرات سن در رابطه با انواع مولفه های حافظه شرح حال پرداخته است. چند مطالعه نشان داده اند که در سالمندی بهنجار حافظه رویدادی شرح حال آسیب میبند. در اکثر این مطالعات، شرکت کنندگان سالمند و جوان با هم مقایسه شده اند. در پژوهش های آزمایشگاهی انجام شده نتایج نشان داده است که یادگیری کلامی، حافظه کاری و حافظه رویدادی در افراد سالمند کاهش می یابد. در یک مطالعه طولی بزرگ روی افراد ۳۵ تا ۸۵ ساله، رونالد، نیبر، بکمن و نیلسون^۲ (۲۰۰۵) دریافتند که حافظه رویدادی کوتاه مدت برای مواد کلامی و اعمال ساده در سن ۶۰ سالگی به تدریج کاهش پیدا می کند، بعد از ۷۰ سالگی این کاهش سرعت می گیرد. دانش فرهنگی (حافظه معنایی) در همان سن با سرعت کمتری کاهش می یابد. در پژوهش پیولینو، دسگرانگس، بنالی و یوستاچ (۲۰۰۲) روی نمونه ۵۲ نفری از افراد ۴۰ تا ۷۹ ساله از شرکت کنندگان خواسته شد که در مورد دانش شرح حال شخصی و در مورد چهار رویداد خاص مربوط به هر دهه از زندگیشان توضیح دهند. توضیحات افراد در سه مقوله دسته بندی شد: خاطرات خاص با جزئیات، خاطرات خاص بدون جزئیات و پاسخ های مبهم. از سن ۶۰ سالگی به بعد با افزایش سن، درصد خاطرات خاص چه با جزئیات و چه بدون جزئیات کمتر می شود. پیولینو و همکاران (۲۰۰۶) این یافته ها را با استفاده از پرسشنامه روی بزرگسالان ۲۵، ۶۲ و ۷۵ ساله تکرار کرده اند. نتایج آنها نیز نشان داد که خاطرات خاص با جزئیات و بدون جزئیات با افزایش سن کاهش پیدا می کند.

افراد سالمند سالم در یادآوری حافظه شرح حال رویدادی نقص دارند در حالی که برای تولید دانش معنایی نسبتا بهنجار هستند (پیولینو و همکاران، ۲۰۰۶؛ اس تی جاکوبز و لوین^۳، ۲۰۰۷). توانایی یادآوری مواد کلامی یاد گرفته شده، در طول بزرگسالی کاهش می یابد. مشابه آن در حافظه رویدادی شرح حال نیز کاهش می یابد و حافظه بیشتر معنایی می شود. از نقطه نظر مدل کانوی (۲۰۰۰) این امر به معنی آن است که خاطرات وابسته به رویداد خاص کمتر در دسترس خواهند بود خصوصا به صورت رویدادهای متوالی زمانی. استفاده بیشتر از دانش سطح بالاتر مربوط به رویدادهای تکرار شده و مراحل زندگی صورت می گیرد. محققان بیان کرده اند که با افزایش سن حافظه رویدادی به حافظه معنایی کاهش می یابد یعنی یادآوری اینکه چگونه یک رویداد رخ داده است به دانستن این که چیزی اتفاق افتاده است تغییر می کند. لوین، اسوبودا، هی، وینوکار و مسکوویچ (۲۰۰۰) از ۱۵ جوان و ۱۵ سالمند (۲۴ و ۷۴ ساله) خواستند که از پنج دوره زندگی خود یک رویداد را با جزئیات شرح دهند. این جزییات شامل اطلاعات فیزیکی، زمانی، مکانی و واکنش های هیجانی و

1. Svobodaa, E., McKinnona, M. C, & Levine, B

2. R'onnlund, M., Nyberg, L., B'ackman, L., & Nilsson, L.-G

3. St Jacques, P. L., & Levine, B

شناختی فرد بود. هر کدام از این جنبه ها روی یک مقیاس چهار درجه ای از نظر غنی بودن رویداد و یکپارچگی آن با کل زندگی فرد، دسته بندی شدند. جوانتر ها اطلاعات درونی تر بیشتری را در مورد رویدادها و افراد سالمند اطلاعات برونی تر در مورد رویدادها بیان کردند. در واقع افراد سالمند اطلاعات بیشتری راجع به چیزهای مختلف نه خود رویداد ذکر می کنند و رویداد را با دیگر جنبه های زندگی خود تلفیق می کنند. در پژوهشی دیگر، ادیس، موسیکارو، پن و اسکاچر^۱ (۲۰۱۰) از افراد جوان (در دهه ۲۰ عمر) و افراد سالمند (در دهه ۷۰) خواستند که در پاسخ به سرنخ ها، هشت خاطره ای را که اخیرا رخ داده با جزئیات هر چه بیشتر در سه دقیقه شرح دهند. نتایج نشان داد که افراد جوان تر جزئیات رویدادی بیشتری را راجع به خاطرات بیان می کنند.

پیولینو و همکاران (۲۰۰۲) و لوین و همکاران (۲۰۰۲) تغییرات مرتبط با سن را در یادآوری رویدادهای گذشته بررسی کرده اند و نشان داده اند که افراد پیرتر در مقایسه با افراد جوان تر جزئیات حافظه شرح حال رویدادی را کمتر و اطلاعات معنایی بیشتری را به یاد می آورند. ادیز، وانگ و اسچاکتر^۲ (۲۰۰۸) نشان دادند، زمانی که از افراد خواسته می شود رویداد های آینده و گذشته را به یاد بیاورند، افراد سالمند نسبت به جوان تر ها، جزئیات درونی کمتر (حافظه رویدادی) برای رویدادهای گذشته بیان می کنند و این الگو در مورد رویدادهای آینده نیز گسترش می یابد. پیولینو و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش دیگری، به مقایسه افراد جوان و سالمند در ویژگی های کیفی و کمی حافظه شرح حال پرداختند. نتایج آنها نشان داد که افراد سالمند در دسترسی به اطلاعات خاص از یک رویداد کلی یا دسترسی به جزئیات پدیدار شناختی و زمینه ای از یک رویداد خاص نسبت به یادآوری دوره های کلی زندگی یا اتفاقات کلی زندگی، ضعف بیشتری داشتند. مشکلات شناختی مرتبط با سالمندی بر بالاترین سطح اختصاصی بودن حافظه شرح حال اثر دارد.

آسیب نسبی حافظه شرح حال در سالمندی بهنجار به دلیل تعامل بین یادآوری جزئیات زمینه ای و فرآیندهای کنترل شناختی که توسط هیپوکامپ واسطه گری می شوند، است. این فرآیندها و بسترهای عصب ساختاری آنها نسبت به سالمندی حساس هستند (اس تی جاکوبز و همکاران، ۲۰۱۲). برای مثال، فعالیت هیپوکامپ که با یادآوری حافظه رویدادی مرتبط است، با افزایش سن، کاهش می یابد. همچنین، فعالیت لوب پیشانی در طول یادآوری کنترل شده خاطرات با سالمندی کاهش می یابد (پوکسل و همکاران، ۲۰۰۸). یک پژوهش نشان داده است که با افزایش سن، غنی بودن زمینه ای حافظه شرح حال کاهش می یابد و این کاهش به نقص در فرآیندهای یادآوری راهبردی و ضعف در هیپوکامپ و کورتکس پیش پیشانی نسبت داده شده است (اس تی جاکوبز و همکاران، ۲۰۱۲).

در اینجا سوالی که مطرح می شود این است که چرا افراد سالمند تر نسبت به جوان تر ها خاطرات شرح حالی را با جزئیات کمتری به یاد می آورند؟ یک تبیین برای آن این است که افراد سالمند تر علاقه به یکپارچه سازی گذشته دارند که روی نقش های اجتماعی و زایندهگی تاکید دارند. دلیل دیگر می تواند این باشد که آزمون های حافظه رویدادی توانمندی های افراد سالمند را اندازه گیری نمی کند. هماهنگ با این امر، زمانی که معانی مهم، افکار و احساسات شخصی و علایق کیفی شخص اندازه گیری می شود افراد سالمند نسبت به جوان تر ها حتی نمرات بالاتری هم به دست می آورند (جیمز، برک، استین و هال^۳، ۱۹۹۸). افراد جوان تر در تکالیفی که بازسازی جزئیات حافظه رویدادی ضروری است بهتر عمل می کنند در حالی که افراد سالمند در تکالیفی که بر تبادلات اجتماعی تاکید دارند، بهتر عمل می کنند (کوهن، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، جزئیات رویدادی نسبت به اطلاعات معنایی شخصی یادآوری دشوار تری دارند که در مدل سلسله مراتبی دانش شرح حال، اطلاعات معنایی بالاتر از اطلاعات رویدادی جای گرفته اند (کانوی و پلیدل-پیرسی، ۲۰۰۰).

حافظه شرح حال و سالمندی نابهنجار

حافظه شرح حال معنایی، مقاوم ترین شکل حافظه شرح حال است و در سالمندی بهنجار (لوین و همکاران، ۲۰۰۲؛ پیولینو و همکاران، ۲۰۰۲)، فراموشی پس گستر (کلین و لاکس^۴، ۲۰۱۰) و اختلال آلزایمر (مارتینلی، انسس، اسپردوتی و پیولینو^۵، ۲۰۱۳) حفظ می شود. به طور دقیق تر، حافظه معنایی در سالمندی بهنجار و اوایل دمانس معمولاً حفظ می شود و با پیشرفت دمانس کم کم رو به زوال می رود. اما حافظه شرح حال رویدادی در اوایل دمانس آسیب می بیند.

نقص شناختی خفیف (MCI) یک عامل خطر عمده برای ابتلا به الزایمر است (گاتر و همکاران^۶، ۲۰۰۶) و به وسیله کاهش در حافظه پیش گستر (توانایی یادگیری و به خاطر آوردن اطلاعات جدید) مشخص شده است. شواهد نشان داده است که حافظه معنایی مانند

1. Addis, D. R., Musicaro, R., Pan, L. & Schacter, D. L.

2. Addis, D. R., Wong, A. T., & Schacter, D. L.

3. James, L.E., Burke, D.M., Austin, A., & Hulme, E

4. Klein, S. B., & Lax, M. L.

5. Martinelli, P., Anssens, A., Sperduti, M., & Piolino, P.

6. Gauthier, S., et al

یادآوری نام حیوانات یا چهره‌های مشهور در MCI کاهش می‌یابد. حافظه معنایی کاهش یافته با تغییرات عصب ساختاری مانند تغییر در هیپوکامپ سازگاری دارد. مطالعات نشان داده است که حافظه رویدادی برای اطلاعات اخیر و حافظه معنایی برای اطلاعات غیر شخصی دور (نام افراد مشهور) در MCI تحت تاثیر قرار می‌گیرد و این امر احتمالاً با تغییرات دژنراتیو اولیه در شبکه مغزی که از لوب پیشانی میانی تا سایر مناطق مرتبط گسترده است، ارتباط دارد. بسیاری از مطالعات بالینی اخیر نقص حافظه شرح حال رویدادی را در بیماران مبتلا به نقص شناختی حافظه خفیف (MCI) نشان داده‌اند. در این بیماران حافظه بیشتر معنایی می‌شود یعنی آنها در مقایسه با افراد سالم جزئیات و اختصاصی بودن کمتری را گزارش می‌دهند (ایریش، لاولر، لومارا و کوئن^۱، ۲۰۱۰؛ دونیکس و همکاران^۲، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش برنا و همکاران^۳ (۲۰۱۲) نیز نشان داد که حافظه رویدادی شرح حال در بیماران MCI آسیب می‌بیند در حالی که حافظه معنایی شرح حال در آنها دست نخورده می‌ماند. این افراد در مقایسه با گروه کنترل، اطلاعات رویدادی و جزئیات کمتری بیان می‌کنند و این الگو مانند افراد سالمند بهنجار است.

در بیماری آلزایمر هم حافظه رویدادی و هم حافظه معنایی حافظه شرح حال دچار آسیب می‌شود (ایوانوی و همکاران^۴، ۲۰۰۶). حافظه رویدادی در ابتدای دمانس دچار نقص می‌شود. حافظه شرح حال معنایی با کاهش حجم در قشر گیجگاهی جلویی و عقبی (خصوصاً چپ) و قشر پیشانی راست و حافظه شرح حال رویدادی با مناطق پیشانی ارتباط دارد (گیلبوا و همکاران، ۲۰۰۵) که در آلزایمر اینها به مرور آسیب می‌بینند و نقصان حافظه معنایی را نیز در پی دارند. کاهش در حافظه شرح حال منجر به دسترسی محدود به خاطراتی می‌شود که خودآگاهی، خودشناسی و تصویر خویشتن را شکل می‌دهند. این محدودیت حس هویت فرد را کاهش می‌دهد. رابطه بین کاهش حافظه شرح حال و خود به خطر افتاده در آلزایمر به نقص و اختلال در خود کاری نسبت داده می‌شود. این اختلال نیز می‌تواند با کژکاری در کارکردهای اجرایی ارتباط پیدا کند. یکی از نتایج اختلال در خود کاری ارتباط و انسجام پایین بین حافظه شرح حال و اهداف جاری فرد و باورهایش در مورد خود است. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، کاهش کارکردهای اجرایی در بیماری آلزایمر با نقص در حافظه شرح حال در آنها همراه است و این نقص را پیامد کژکاری اثر گذار بر سازمان دهی، بسط دهنده‌گی و استفاده از راهبرد های حافظه می‌دانند. نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که بین عملکرد در آزمون‌های شرح حال و آزمون‌های کارکرد اجرایی (مانند تکالیف مربوط به توجه) همبستگی معنادار وجود دارد. فرآیندهای اجرایی شامل چند فرآیند هستند. فرآیندهای سطح بالاتر بر اساس عملکردهای لوب پیشانی مانند توجه هستند. توجه برای یادآوری حافظه رویدادی شرح حال ضروری است (دانجال و وایز، ۲۰۱۴) و در بیماری آلزایمر کاهش پیدا می‌کند (کیم و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین نقص توجه در آلزایمر بر نقص در حافظه شرح حال آنها تاثیر می‌گذارد.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مروری حافظه شرح حال و تغییرات آن در دوران سالمندی بود. حافظه شرح حال که رابطه با خود دارد، شامل حافظه رویدادی و حافظه معنایی می‌شود که در مدل کانوی و همکاران به خوبی مورد بررسی قرار گرفت. این دو حافظه مبانی عصب شناختی خاص خود را دارند اما با این حال، قسمت‌های مختلفی از مغز با حافظه شرح حال در ارتباط است و این امر نشان از گستردگی حافظه شرح حال و نقش عوامل مختلف ادراک، توجه و سایر کارکردهای اجرایی در آن است. در بررسی تغییرات حافظه شرح حال و انواع آن در دوران سالمندی، سالمندی بهنجار و نابهنجار که با بروز بیماری‌های عصب-شناختی همراه است مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مرور پژوهش‌های انجام گرفته حافظه رویدادی شرح حال در سالمندی بیشتر و زودتر از حافظه معنایی شرح حال آسیب می‌بیند و حتی در سنین بالا گاهی حافظه معنایی به صورت دست نخورده می‌ماند. در سالمندی نابهنجار که همراه با بروز بیماری است، بسته به نوع بیماری و آسیب مغزی هم حافظه شرح حال و هم حافظه معنایی می‌تواند آسیب ببیند.

منابع

Addis, D. R., Wong, A. T., & Schacter, D. L. (2008). Age-related changes in the episodic simulation of future events. *Psychological Science*, 19, 33-41.

1. Irish, M., Lawlor, B.A., O'Mara, S.M., Coen, R.F.

2. Donix, M., et al

3. Berna, F., et al

4. Ivanoiu, A., et al

- Addis, D. R., Musicaro, R., Pan, L. & Schacter, D. L. (2010). Episodic simulation of past and future events in older adults: Evidence from an experimental recombination task. *Psychology and Aging*, 25, 369–376.
- Berna, F., onknecht, P., Seid, U., Toro, P., Schröder, J. (2012). Episodic autobiographical memory in normal aging and mild cognitive impairment: A population-based study. *Psychiatry Research*, 200, 807–812.
- Conway, M.A. (2009). Episodic memories. *Neuropsychology*, 47, 2305–2313.
- Conway, M. A., & Pleydell-Pearce, C.W. (2000). The construction of autobiographical memories in the self-memory system. *Psychological Review*, 107, 261–288.
- Conway, M.A.; Pleydell-Pearce, C.W.; Whitecross, S.E. (2001). "The neuroanatomy of autobiographical memory: a slow cortical potential study of autobiographical memory retrieval". *Journal of Memory and Language*. 45: 493–524.
- Dalgleish, T., Rolfe, J., Golden, A. M., Dunn, B. D., & Barnard, P. J. (2008). Reduced autobiographical memory specificity and posttraumatic stress: exploring the contributions of impaired executive control and affect regulation. *Journal of Abnormal Psychology*, 117, 236–241.
- Donix, M., Brons, C., Jurjan, L., Poettrich, K., Winiecki, P., Holthoff, V.A. (2010). Overgenerality of autobiographical memory in people with amnesic mild cognitive impairment and early Alzheimer's disease. *Archives of Clinical Neuropsychology* 25 (1), 22–27.
- El Haj, M., Antoinette, P., Nandrino, J. L., & Kapogiannis, D. (2015). Autobiographical memory decline in Alzheimer's disease, a theoretical and clinical overview. *Aging research review*, 23, 183–192.
- Gauthier, S., Reisberg, B., Zaudig, M., Petersen, R. C., Ritchie, K., et al. (2006). Mild cognitive impairment. *Lancet*, 367, 1262–1270.
- Gilboa, A., Ramirez, J., Khler, S., Westmacott, R., Black, S. E., & Moscovitch, M. (2005). Retrieval of autobiographical memory in Alzheimer's disease: Relation to volumes of medial temporal lobe and other structures. *Hippocampus*, 15, 535–550.
- Irish, M., Lawlor, B.A., O'Mara, S.M., Coen, R.F. (2010). Exploring the recollective experience during autobiographical memory retrieval in amnesic mild cognitive impairment. *Journal of the International Neuropsychological Society*, 16 (3), 546–555.
- Ivanou, A., Cooper, J. M., Shanks, M. F., & Venneri, A. (2006). Patterns of impairment in autobiographical memory in the degenerative dementias constrain models of memory. *Neuropsychologia*, 44, 1936–1955.
- James, L.E., Burke, D.M., Austin, A., & Hulme, E. (1998). Production and perception of "verbosity" in younger and older adults. *Psychol. Aging*, 13, 355–367.
- Klein, S. B., & Lax, M. L. (2010). The unanticipated resilience of trait self-knowledge in the face of neural damage. *Memory*, 18, 918–948.
- Levine, B., Svoboda, E., Hay, J. F., Winocur, G., & Moscovitch, M. (2002). Aging and autobiographical memory: Dissociating episodic from semantic memory. *Psychology and Aging*, 17, 677–689.
- Martinelli, P., Anssens, A., Sperduti, M., & Piolino, P. (2013). The influence of normal aging and Alzheimer's disease in autobiographical memory highly related to the self. *Neuropsychology*, 27(1), 69–78.
- Piolino, P., Desgranges, B., Benali, K., & Eustache, F. (2002). Episodic and semantic remote autobiographical memory in aging. *Memory*, 10, 239–257.
- Piolino, P., Costea, C., Martinelli, P., Macéa, A., Quinettec, P., Guillery-Girard, B., & Belleville, S. (2010). Reduced specificity of autobiographical memory and aging: Do the executive and feature binding functions of working memory have a role? *Neuropsychologia*, 48, 429–440.
- Piolino, P., Chételat, G., Matuszewski, V., Landeau, B., De La Sayette, V., Eustache, F., et al. (2007). In search of autobiographical memories: A PET study in frontotemporal dementia. *Neuropsychologia*, 45, 2730–2743.
- Piolino, P., Desgranges, B., Benali, K., & Eustache, F. (2002). Episodic and semantic remote autobiographical memory in aging. *Memory*, 10, 239–257.
- Piolino, P., Desgranges, B., Clarys, D., Guillery-Girard, B., Taconnat, L., Isingrini, M., et al. (2006). Autobiographical memory, autothetic consciousness and self perspective in aging. *Psychology and Aging*, 3, 510–525.
- Rönnlund, M., Nyberg, L., Backman, L., & Nilsson, L.-G. (2005). Stability, growth, and decline in adult life span development of declarative memory: cross-sectional and longitudinal data from a population-based study. *Psychology and Aging* 20 (1), 3–18.
- Raes, F., Schoofs, H., Griffith, J. W., & Hermans, D. (2012). Rumination relates to reduced autobiographical memory specificity in formerly depressed patients following a self-discrepancy challenge: the case of autobiographical memory specificity reactivity. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 43, 1002–1007.
- Svoboda, E., McKinnon, M. C., & Levine, B. (2006). The functional neuroanatomy of autobiographical memory: A meta-analysis. *Neuropsychologia*, 44, 2189–2208.
- Tulving, E. (2002). Episodic memory: From mind to brain. *Annual Review of Psychology*, 53, 1–25.